

بسمه تعالی



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

آگهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته: رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان: خداباوری فطری از نظر استاد مطهری

و مقایسه آن با معرفت‌شناسی اصلاح شده پلانتینگا

دانشجو: جواد کلامی عهدجدید

استاد راهنما: دکتر علی مطهری

استاد مشاور: دکتر مهدی عظیمی

داوران داخلی: دکتر محمدرضا بیات

دکتر عباس یزدانی

داوران خارجی: دکتر

از دانشگاه

دکتر

از دانشگاه

زمان: چهارشنبه ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ ساعت ۸/۳۰ صبح مکان:

چکیده: معرفت‌شناسی اصلاح‌شده دیدگاهی است اصلاحی از میناگروی حداکثری که بر اساس آن، باور به خدا می‌تواند به عنوان عقیده‌ای پایه لحاظ شود. یکی از طرفداران این نظریه آلوین پلانتینگا، معتقد است که تجربه‌دینی نیز مانند تجربه‌حسی می‌تواند منبعی برای معرفت باشد زیرا هر دو باورهایی پایه با اعتباری همسان ایجاد می‌کنند. این نوع معرفت‌شناسی، از یک سو بر «باور به خدا» به همان معنایی که در ادیان ابراهیمی مطرح می‌شود تکیه می‌کند و از سوی دیگر بر این نکته که باور به خدا می‌تواند به عنوان عقیده‌ای پایه مورد نظر قرار گیرد. این دیدگاه با خداشناسی فطری در اسلام که برگرفته از آیات و روایات است، همخوان به نظر می‌رسد. در قرآن کریم آمده است: «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرةً الله الّتی فطر الناس علیها» و نیز در حدیث نبوی آمده است که «کل مولود یولد علی الفطرة» که بر پایه آن دین و در صدر آن خداباوری یک حقیقت فطری است که در آفرینش انسان به ودیعت نهاده شده و هر انسانی خداپاور زاده می‌شود و خداپاوری بعداً در اثر سوء تربیت بر او تحمیل می‌شود. از نظر شهید مطهری بشر با فطرت الهی به دنیا می‌آید و از بدو تولد، وجودش بالقوه با شناخت‌ها و گرایش‌هایی همراه است. در ناحیه شناخت‌ها از تصورات و تصدیقات بدیهی برخوردار است که می‌توان آن را فطرت عقل نامید و در ناحیه گرایش‌ها از گرایشاتی مانند حقیقت‌جویی و زیبایی‌دوستی و ابداع و اخلاق و پرستش بهره‌مند است که می‌توان آن را فطرت دل یا قلب نامید. این امور هنگام تولد انسان به صورت بالقوه در او موجودند و با پیدایش زمینه مناسب بالفعل می‌شوند. این دیدگاه با معرفت‌شناسی اصلاح‌شده پلانتینگا که بر اساس آن باور به خدا جزء باورهای واقعاً پایه به شمار آمده، قابل مقایسه است. در پژوهش حاضر ضمن بررسی تقریرات مختلف از خداشناسی فطری و واقع‌نمایی امور فطری، این دو دیدگاه از نظر معرفت‌شناسی مورد مقایسه قرار گرفته است. از بررسی تقریرات مختلف خداشناسی فطری و تفاوت آن‌ها نتیجه می‌شود که برای واقع‌نمایی امور فطری اولاً باید فطریات انسان بالفعل باشند نه بالقوه، ثانیاً فطریات انسان نتیجه معرفت پیشین به خدا باشند نه مقدمه برهان برای اثبات معرفت به خدا.